

فصل هفتم - قرارهای تأمین و نظارت قضایی

ماده ۲۱۷- به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند:

الف) التزام به حضور با قول شرف

ب) التزام به حضور با تعیین وجه التزام

پ) التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با قول شرف

ت) التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با تعیین وجه التزام

ث) التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضائی یا انتظامی با تعیین وجه التزام

ج) التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط

چ) التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات

ح) اخذ کفیل با تعیین وجه الكفاله

خ) اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول

د) بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی

تبصره ۱- در صورت امتناع متهم از پذیرش قرار تأمین مندرج در بند (الف)، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر و در صورت امتناع از پذیرش قرارهای مندرج در بندهای (ب)، (پ)، (ت) و (ث) قرار کفالت صادر می‌شود.

تبصره ۲- در مورد بندهای (پ) و (ت)، خروج از حوزه قضائی با اجازه قاضی ممکن است.

تبصره ۳- در جرائم غیرعمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضائی تضمین حقوق بزه‌دیده به طریق دیگر امکان‌پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست.

مواد مرتبط

ماده ۲۸۷- در جریان تحقیقات مقدماتی، مرجع قضائی حسب مورد، اطفال و نوجوانان موضوع این قانون را به والدین، اولیا، یا سرپرست قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع از پذیرش آنان، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بداند، می‌سپارد. اشخاص مذکور ملتزمند هرگاه حضور طفل یا نوجوان لازم باشد او را به مرجع قضائی معرفی نمایند. افراد پانزده تا هجده سال نیز شخصاً ملزم به معرفی خود به دادگاه می‌باشند. در صورت ضرورت، اخذ کفیل یا وثیقه تنها از متهمان بالای پانزده سال امکان‌پذیر است. در صورت عجز از معرفی کفیل یا ایداع وثیقه و یا در مورد جرائم پیش‌بینی شده در ماده (۲۳۷) این قانون، دادسرا یا دادگاه می‌تواند بارعایت ماده (۲۳۸) این قانون، قرار نگهداری موقت آنان را در کانون اصلاح و تربیت صادر کند. تبصره- قرار نگهداری موقت، تابع کلیه آثار و احکام قرار بازداشت موقت است.

ماده ۶۹۰- در صورت وجود دلیل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضا منحصرأ صدور قرارهای تأمینی زیر امکان‌پذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

الف- قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کند.
ب- قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود. تخلف از این ممنوعیت موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های تعزیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است.

نکته ۱- در صورت وجود دلایل کافی که امکان مجرمیت متهم وجود داشته باشد مقام قضایی موظف است یکی از قرارهای تأمین کیفری را صادر کند.

۱/۱- قرار تأمین کیفری پس از تفهیم اتهام به متهم صادر می‌شود بنابراین اگر متهم هنوز دستگیر نشده باشد یا پس از دستگیری هنوز به نزد مقام قضایی آورده نشده باشد صدور قرار تأمین کیفری جایز نیست.

۱/۲- در صورت حضور متهم و وجود دلایل کافی بر اتهام، در تمامی جرایم صرف نظر از نوع جرم و میزان مجازات آن، مقام قضایی موظف به صدور قرار تأمین کیفری است. تنها استثنای این حکم جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ است که مقام قضایی می‌تواند در صورتی که متهم برای جبران خسارت وارده تضمین ارائه دهد قرار تأمین صادر نکرده و قرار نظارت قضایی صادر کند. (تبصره ۱ ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک)

نکته ۲- مقام قضایی فقط حق صدور یکی از قرارهای تأمین کیفری را دارد.

۲/۱- در مواردی که جرم ارتكابی موجب دو یا چند نوع مجازات باشد نیز فقط یک قرار تأمین باید صادر شود مانند جنایت غیر عمدی که هم موجب ديه و هم موجب تعزیر است که در این موارد نیز مانند سایر جرایم فقط یک قرار تأمین صادر می‌شود.

نکته ۳- مقصود از تعیین وجه التزام که در بندهای ب، ت، ث، ج و چ آمده و همچنین وجه الكفاله که در بند ح آمده است این است که مقام قضایی مشخص کند که در صورت نقض تعهد توسط متهم یا کفیل چه میزان مال از آن‌ها دریافت می‌شود بدون اینکه متهم یا کفیل این مال را در همان لحظه بپردازد مثلاً اگر مقام قضایی در مورد متهمی قرار التزام به حضور با وجه التزام ۱۰۰ میلیون تومانی صادر کند این ۱۰۰ میلیون تومان ابتدا از متهم دریافت نمی‌شود بلکه در صورت عدم حضور متهم، وی ملزم به پرداخت ۱۰۰ میلیون تومان می‌شود همچنین در کفالت نیز کفیل وجه الكفاله را در ابتدا نمی‌پردازد.

۳/۱- تفاوت وجه التزام و وجه الكفاله با وثیقه در همین است که در وجه التزام و وجه الكفاله وجه مقرر شده ابتدا از متهم یا کفیل دریافت نمی‌شود اما در وثیقه مبلغ تعیین شده از همان ابتدا دریافت می‌شود مثلاً اگر قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی صادر شود وثیقه گذار باید از همان ابتدا ۱۰۰ میلیون تومان یا مالی به ارزش ۱۰۰ میلیون تومان را به مقام قضایی بدهد تا در صورت عدم حضور متهم، وثیقه ضبط شود.

نکته ۴- در صورت عدم پذیرش یا عدم اجرای مفاد قرار تأمین حسب اینکه قرار تأمین صادر شده چه باشد به این نحو عمل می‌شود:

- عدم پذیرش قرار التزام به حضور با قول شرف: قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر می‌شود. (تبصره ۱ ماده ۲۱۷)
- در صورت عدم پذیرش قرارهای التزام به حضور با وجه التزام، التزام به عدم خروج از حوزه قضایی (با قول شرف یا با وجه التزام) و التزام به معرفی نوبه‌ای خود به مقام قضایی یا انتظامی: قرار کفالت صادر می‌شود. (تبصره ۱ ماده ۲۱۷)
- عدم پذیرش قرار التزام مستخدمان رسمی به حضور با تعیین وجه التزام و اخذ تعهد به پرداخت از محل حقوق آن‌ها و قرار التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده: چون این دو قرار فقط با موافقت متهم قابلیت صدور دارند لذا مقام قضایی بدون موافقت متهم حق صدور این قرارها را ندارد و در صورت عدم موافقت متهم باید قرار دیگری صادر کند.
- عدم اجرای قرار کفالت و قرار وثیقه: متهم تا معرفی کفیل یا سپردن وثیقه بازداشت می‌شود. (ماده ۲۲۶)

نکته ۵- منظور از قرار کفالت این است که شخصی غیر از خودِ متهم با تعیین وجه‌الکفاله متعهد شود تا اگر متهم به نزد مقام قضایی نیاید وی متهم را نزد مقام قضایی حاضر کند در غیر این صورت ملزم به پرداخت وجه‌الکفاله باشد به شخصی که چنین تعهدی داده است کفیل می‌گویند.

نکته ۶- قرار وثیقه می‌تواند هم توسط متهم و هم توسط شخص دیگری غیر از متهم سپرده شود (ماده ۲۳۰) و به تصریح ماده ۲۱۷ قرار وثیقه می‌تواند وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول باشد.

۶/۱- اختیار انتخاب نوع وثیقه (اینکه وثیقه وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول باشد) با متهم است و مقام قضایی نمی‌تواند متهم را مجبور به دادن نوع خاصی از وثیقه کند ضمناً متهم می‌تواند در مراحل رسیدگی نوع وثیقه خود را عوض کند مثلاً متهمی که وجه نقد را به عنوان وثیقه سپرده است می‌تواند وجه نقد را به ضمانت نامه بانکی تبدیل کند. (مستنبط از ماده ۵۰۸ ق.آ.د.ک.)

نکته ۷- ده قرار تأمینی که در ماده ۲۱۷ ذکر شده است صرفاً در مورد اشخاص حقیقی بالای ۱۸ سال صادر می‌شود در مورد سایر اشخاص به نحو زیر عمل می‌شود:

- اشخاص حقوقی: فقط دو قرار می‌تواند در ماده ۶۹۰ ق.آ.د.ک ذکر شده است صادر می‌شود.
 - اشخاص حقیقی ۱۵ سال و زیر ۱۵ سال: مقام قضایی متهم را به والدین، اولیا یا سرپرست قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی یا امتناع این افراد از پذیرش متهم، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بدانند می‌سپارد و حق اقدام دیگر و اخذ تأمین از متهم را ندارد.
 - اشخاص حقیقی بیش از ۱۵ تا ۱۸ سال: در صورت ضرورت فقط سه قرار تأمین کفالت، وثیقه و نگهداری موقت صادر می‌شود. قرار نگهداری موقت، تابع کلیه آثار و احکام قرار بازداشت موقت است.
- نکته ۸-** در مورد جرایم غیر عمدی صدور قرار کفالت و وثیقه به طور مطلق ممنوع نیست بلکه صرفاً در صورتی که تضمین حقوق بزه دیده به طریق دیگری ممکن باشد صدور این دو قرار ممنوع است.

ماده ۲۱۸- برای اتهامات متعدد متهم، قرار تأمین واحد صادر می‌شود، مگر آنکه رسیدگی به جرائم ارتكابی در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف باشد که در این صورت برای اتهامات موضوع صلاحیت هر دادگاه، قرار تأمین متناسب و مستقل صادر می‌شود.

نکته ۱- اگر اتهامات متعدد در صلاحیت ذاتی یک دادگاه باشد مانند اینکه مرتکب، سه جرم انجام داده باشد که هر سه در صلاحیت دادگاه انقلاب باشد فقط یک قرار تأمین صادر می‌شود ولی اگر در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف باشد مانند اینکه مرتکب، دو جرم انجام داده باشد که یکی در صلاحیت دادگاه کیفری دو و دیگری در صلاحیت دادگاه انقلاب باشد برای هر اتهام قرار تأمین جداگانه صادر می‌شود.

ماده ۲۱۹- مبلغ وجه التزام، وجه الكفاله و وثيقه نبايد در هر حال از خسارت وارد به بزه‌ديده كمتر باشد. در مواردی كه ديه يا خسارت زيان‌ديده از طريق بيمه قابل جبران است، بازپرس با لحاظ مبلغ قابل پرداخت از سوی بيمه قرار تأمين متناسب صادر می‌كند.

ماده مرتبط

ماده ۴۹ قانون بيمه اجباری- مراجع قضائی مكلفند در دعاوی مربوط به حوادث رانندگی، در صورت وجود بيمه‌نامه معتبر و مكفی و احراز اصالت آن، صرفاً متناسب با جنبه عمومی جرم برای راننده مسبب حادثه قرار تأمين صادر كنند.

نكته ۱- تشخيص مبلغ وجه التزام، وجه الكفاله و وثيقه با مقام قضایی است اما حداقل مبلغی كه بايد تعيين شود به ميزان خسارت وارد بر بزه ديده است.

نكته ۲- برطبق ماده ۲۵۰ قرار تأمين بايد متناسب با ميزان جرم و... باشد بر طبق ماده ۴۹ قانون بيمه اجباری در مورد تصادفات رانندگی (كه در غالب موارد هم مستوجب ديه و هم مستوجب تعزير است) در صورت وجود بيمه نامه معتبر مقام قضایی در صدور قرار تأمين فقط جنبه عمومی (تعزير) را در نظر می‌گيرد و نوع و ميزان قرار را فقط متناسب با جنبه عمومی جرم تعيين می‌كند.

ماده ۲۲۰- در صورتی كه متهم بخواهد به جای معرفی كفيل، وثيقه بسپارد، بازپرس مكلف به قبول آن و تبديل قرار است. در اين صورت متهم می‌تواند در هر زمان با معرفی كفيل، آزادی وثيقه را تقاضا كند.

نكته ۱- زمانی كه قرار كفالت صادر می‌شود متهم می‌تواند به جای معرفی كفيل وثيقه بسپارد و بازپرس مكلف به تبديل قرار است البته اين تبديل قرار دائمی نيست و متهم می‌تواند با معرفی كفيل آزادی وثيقه را بخواهد.

ماده ۲۲۱- كفالت شخصی پذيرفته می‌شود كه ملائت او به تشخيص بازپرس برای پرداخت وجه الكفاله محل ترديد نباشد. چنان چه بازپرس ملائت كفيل را احراز نكند، مراتب را فوری به نظر دادستان می‌رساند. دادستان موظف است در همان روز، رسيدگی و در اين باره اظهار نظر كند. تشخيص دادستان برای بازپرس الزامی است. در صورت تأييد نظر بازپرس توسط دادستان مراتب در پرونده درج می‌شود. تبصره- پذيرش كفالت اشخاص حقوقی با رعايت مقررات اين ماده بلامانع است.

نكته ۱- ملائت به معنی توانایی مالی است و بر طبق اين ماده بازپرس بايد توانایی مالی كفيل برای پرداخت وجه الكفاله را احراز كند.

نکته ۲- اگر بازپرس ملائت کفیل را احراز کند این امر نیاز به تأیید دادستان ندارد اما در صورتی که ملائت کفیل را احراز نکند باید مراتب را به نظر دادستان برساند در این مورد اگر دادستان با نظر بازپرس مبنی بر عدم ملائت کفیل موافق بود که کفالت شخص پذیرفته نمی‌شود اما اگر بازپرس با ملائت کفیل را محرز دانست نظر دادستان متبع است و کفالت آن شخص پذیرفته می‌شود.

۲/۱- همانگونه که گفته شد این ماده از معدود استثنائات استقلال بازپرس از دادستان است و در موردی که دادستان ملائت کفیل را احراز کند نظر وی برای بازپرس لازم‌الاتباع است و بازپرس حق مخالفت با نظر دادستان را ندارد.

نکته ۳- مقصود از اشخاص حقوقی در تبصره، اشخاص حقوقی خصوصی است و اشخاص حقوقی عمومی نمی‌تواند کفالت متهم را قبول کنند.^۱

ماده ۲۲۲- در صورت عدم پذیرش تقاضای کتبی وثیقه‌گذار توسط بازپرس، مراتب با ذکر علت در پرونده منعکس می‌شود. تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا است.

ماده ۲۲۳- بازپرس در مورد قبول وثیقه یا کفالت، قرار صادر می‌نماید و پس از امضا کفیل یا وثیقه‌گذار، خود نیز آن را امضا می‌کند و با درخواست کفیل یا وثیقه‌گذار، تصویر قرار را به آنان می‌دهد.

ماده مرتبط

ماده ۲۲۵- قرار تأمین باید فوری به متهم ابلاغ و تصویر آن به وی تحویل شود. در صورتی که قرار تأمین منتهی به بازداشت گردد، مفاد قرار در برگه اعزام درج می‌شود.

نکته ۱- در قرارهای تأمین کیفری غیر از کفالت و وثیقه مقام قضایی فقط یک قرار صادر می‌کند مثلاً مقام قضایی قرار بازداشت موقت یا الزام به حضور با تعیین وجه التزام را صادر می‌کند. اما در مورد کفالت و وثیقه دو قرار صادر می‌شود: ۱- قرار کفالت یا وثیقه ۲- قرار قبول کفالت یا وثیقه به عبارتی مقام قضایی ابتدا قرار کفالت یا وثیقه صادر می‌کند و پس از اینکه متهم کفیل یا وثیقه معرفی کرد پس از احراز ملائت کفیل و ارزیابی وثیقه‌ی گذاشته شده در صورت قبول کفیل یا وثیقه قرار قبول کفالت یا وثیقه را صادر می‌کند.

۱. علت این امر آن است که اشخاص حقوقی عمومی باید بر اساس اعتبارات از پیش تعیین شده بودجه خود را مصرف کنند و چون در بودجه نهادهای عمومی بودجه‌ای برای پرداخت وجه‌الکفاله معین نشده است لذا این اشخاص نمی‌توانند کفیل متهم شوند.

نکته ۲- تمامی قرارهای تأمین کیفری (از جمله کفالت و وثیقه) باید فوری به متهم ابلاغ شود (حتی اگر متهم چنین درخواستی را از مقام قضایی نکرده باشد) اما قرار قبول کفالت یا وثیقه در صورت تقاضای کفیل یا وثیقه گذار به وی ابلاغ می‌گردد. به عبارتی قرار کفالت و وثیقه مشمول ماده ۲۲۵ و قرار قبول کفالت و وثیقه مشمول ماده ۲۲۳ است.

ماده ۲۲۴- بازپرس مکلف است ضمن صدور قرار قبولی کفالت یا وثیقه، به کفیل یا وثیقه‌گذار تفهیم کند که در صورت احضار متهم و عدم حضور او بدون عذر موجه و عدم معرفی وی از ناحیه کفیل یا وثیقه‌گذار، وجه‌الکفاله وصول یا وثیقه طبق مقررات این قانون ضبط می‌شود. تبصره- تفهیم مفاد ماده (۱۹۴) این قانون نسبت به کفیل و وثیقه‌گذار نیز الزامی است.

ماده ۲۲۵- قرار تأمین باید فوری به متهم ابلاغ و تصویر آن به وی تحویل شود. در صورتی که قرار تأمین منتهی به بازداشت گردد، مفاد قرار در برگیرنده اعزام درج می‌شود.

نکته ۱- ذیل ماده ۲۲۳ توضیح داده شده است.

ماده ۲۲۶- متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر می‌شود تا معرفی کفیل یا سپردن وثیقه به بازداشتگاه معرفی می‌گردد؛ اما در صورت بازداشت، متهم می‌تواند تا مدت ده روز از تاریخ ابلاغ قرار بازپرس، نسبت به اصل قرار منتهی به بازداشت یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه اعتراض کند. تبصره- مرجع صادرکننده قرار و رئیس یا معاون زندان مکلفند تمهیدات لازم را به منظور دسترسی متهم به افرادی که وی برای یافتن کفیل یا وثیقه‌گذار معرفی می‌کند، فراهم کنند و هر زمان متهم، کفیل یا وثیقه معرفی نماید هر چند خارج از وقت اداری باشد، در صورت وجود شرایط قانونی، مرجع صادرکننده قرار یا قاضی کشیک مکلف به پذیرش آن هستند.

نکته ۱- قرار کفالت و وثیقه و همچنین عدم پذیرش کفیل و وثیقه توسط مقام قضایی، قابل اعتراض نیست مگر اینکه متهم در نتیجه قرار کفالت و وثیقه بازداشت شود که در این صورت می‌تواند هم نسبت به اصل قرار کفالت و وثیقه و هم نسبت به عدم پذیرش کفیل یا وثیقه اعتراض کند.

ماده ۲۲۷- مراتب تحویل متهم توسط مأمور رسمی در سوابق بازداشتگاه ثبت و تحویل‌دهنده، رسیدی حاوی تاریخ و ساعت تحویل متهم اخذ و به بازپرس تسلیم می‌کند. ماده ۲۲۸- کفیل یا وثیقه‌گذار در هر مرحله از تحقیقات و دادرسی با معرفی و تحویل متهم می‌تواند، حسب مورد، رفع مسؤلیت یا آزادی وثیقه خود را از مرجعی که پرونده در آنجا مطرح است درخواست کند. مرجع مزبور مکلف است بلافاصله مراتب رفع مسؤلیت یا آزادی وثیقه را فراهم نماید.

تبصره- در مواردی که متهم به علت دیگری از سوی سایر مراجع بازداشت باشد نیز، کفیل یا وثیقه‌گذار می‌تواند اعزام وی را درخواست نماید. در این صورت پس از حضور متهم مطابق این ماده اقدام می‌شود.

ماده ۲۲۹- خواستن متهم از کفیل یا وثیقه‌گذار جز در موردی که حضور متهم برای تحقیقات، دادرسی و یا اجرای حکم ضرورت دارد، ممنوع است.

تبصره- تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

ماده ۲۳۰- متهمی که برای او قرار تأمین صادر و خود ملتزم شده یا وثیقه گذاشته است، در صورتی که حضورش لازم باشد، احضار می‌شود و هرگاه ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده است، در صورت ابلاغ واقعی اخطاریه، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ و یا از وثیقه سپرده شده معادل وجه قرار ضبط می‌شود. چنانچه متهم، کفیل معرفی کرده یا شخص دیگری برای او وثیقه سپرده باشد به کفیل یا وثیقه‌گذار اخطار می‌شود که ظرف یک‌ماه متهم را تحویل دهد. در صورت ابلاغ واقعی اخطاریه و عدم تحویل متهم، به دستور دادستان، حسب مورد، وجه‌الکفاله اخذ و یا از وثیقه، معادل وجه قرار، ضبط می‌شود. دستور دادستان پس از قطعیت، بدون صدور اجرائیه در اجرای احکام کیفری و مطابق مقررات اجرای احکام مدنی اجرا می‌شود.

تبصره- مبلغ مزاد بر وجه قرار وثیقه، پس از کسر هزینه‌های ضروری مربوط به اجرای دستور، به وثیقه‌گذار مسترد می‌شود.

ماده ۲۳۱- هرگاه ثابت شود که متهم، کفیل یا وثیقه‌گذار به منظور عدم امکان ابلاغ واقعی اخطاریه، نشانی محل اقامت واقعی یا تغییر آن را به مرجع قبول‌کننده کفالت یا وثیقه اعلام نکرده یا به این منظور از محل خارج شده یا به هر نحو دیگر به این منظور امکان ابلاغ واقعی را دشوار کرده است و این امر از نظر بازپرس محرز شود، ابلاغ قانونی اخطاریه برای ضبط وثیقه، اخذ وجه‌الکفاله و یا وجه التزام کافی است.

نکته ۱- زمانی که خود متهم وثیقه گذاشته است یا وجه التزام در مورد وی تعیین شده است در صورتی که اخطاریه ابلاغ واقعی شده و متهم بدون عذر موجه حاضر نشود وجه التزام اخذ یا وثیقه ضبط می‌شود.

اما در موردی که کفیل معرفی شده یا شخص دیگری برای متهم وثیقه گذاشته است ابتدا به کفیل یا وثیقه‌گذار یک ماه مهلت داده می‌شود که متهم را نزد مرجع قضایی حاضر کند و در صورتی که مهلت یک ماهه تمام شود و متهم نزد مرجع قضایی حاضر نشده یا کفیل یا وثیقه‌گذار وی را نزد مرجع قضایی حاضر نکند و ابلاغ واقعی صورت گرفته باشد وجه‌الکفاله اخذ یا وثیقه ضبط می‌شود.

- ۱/۱- ابلاغ به وکیل متهم یا وکیل کفیل یا وثیقه‌گذار ابلاغ واقعی محسوب می‌شود.
- ۱/۲- در صورت وجود شرایط ماده ۲۳۱ ابلاغ قانونی، برای اخذ وجه التزام یا وجه‌الکفاله یا ضبط وثیقه کافی است.
- نکته ۲- در مواردی که دادگاه ویژه روحانیت به پرونده‌ی رسیدگی می‌کند مهلت کفیل یا وثیقه‌گذار برای تحویل متهم، بیست روز است. (ماده ۳۷ آیین نامه ویژه روحانیت)

ماده ۲۳۲- دیه با رعایت مقررات مربوط و ضرر و زیان محکوم‌له، در صورتی از مبلغ وثیقه یا وجه‌الکفاله کسر می‌شود که امکان وصول آن از بیمه میسر نباشد و محکوم‌علیه حاضر نشود و وثیقه‌گذار یا کفیل هم، وی را طبق مقررات حاضر ننموده و عذر موجهی هم نداشته باشد.

ماده ۲۳۳- چنانچه قرار تأمین صادر شده، متضمن تأدیه وجه التزام باشد یا متهم خود ایداع وثیقه کرده باشد، در صورت عدم حضور محکوم‌علیه و عدم امکان وصول آن از بیمه، علاوه بر اخذ دیه و ضرر و زیان محکوم‌له از محل تأمین، جزای نقدی نیز در صورت محکومیت وصول می‌شود و در مورد قرار وثیقه، در صورت حضور و عجز از پرداخت، محکومیت‌های فوق، با لحاظ مستثنیات دین از محل تأمین اخذ می‌شود.

مواد مرتبط

ماده ۵۳۷- اجرای دستورهای دادستان و آرای لازم‌الاجرای دادگاه‌های کیفری در مورد ضبط و مصادره اموال، اخذ وجه التزام، وجه‌الکفاله یا وثیقه و نیز جزای نقدی، وصول دیه، رد مال و یا ضرر و زیان ناشی از جرم برعهده معاونت اجرای احکام کیفری است.

ماده ۵۳۸- در اجرای مواد (۲۳۲) و (۲۳۳) این قانون، دیه و یا ضرر و زیان ناشی از جرم در ابتدا از محل تأمین اخذ شده پرداخت و مازاد بر آن به نفع دولت ضبط می‌شود.

تبصره ماده ۲۳۰- مبلغ مازاد بر وجه قرار وثیقه، پس از کسر هزینه‌های ضروری مربوط به اجرای دستور، به وثیقه‌گذار مسترد می‌شود.

نکته ۱- همانگونه که در ماده ۲۱۷ اشاره شد اخذ تأمین هم برای تضمین حضور متهم است هم برای جبران ضرر و زیان بزه‌دیده. در مواد ۲۳۰ و ۲۳۱ اخذ وجه التزام، وجه‌الکفاله و وثیقه به دلیل عدم حضور متهم پیش‌بینی شده است اما در مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ به اخذ دیه و ضرر و زیان محکوم‌له و جزای نقدی اشاره شده است ماده ۲۳۲ مربوط به زمانی است که شخصی کفیل متهم شده یا شخصی غیر از متهم وثیقه گذاشته است و ماده ۲۳۳ مربوط به زمانی است که خود متهم وثیقه گذاشته است.

- نکته ۲-** در صورتی که شخصی کفیل متهم شده باشد یا شخصی غیر از متهم وثیقه گذاشته باشد دیه و ضرر و زیان محکوم‌له در صورت وجود هر سه شرط زیر از وجه‌الکفاله یا وثیقه کسر می‌شود:
- محکوم‌علیه حاضر نشده باشد. (بنابراین در این مورد اگر محکوم‌علیه حاضر شده ولی قادر به پرداخت دیه نباشد، دیه از وجه‌الکفاله یا وثیقه کسر نمی‌گردد).
 - کفیل یا وثیقه‌گذار محکوم‌علیه را مطابق مقررات حاضر نکرده باشد. (منظور از مطابق مقررات شرایط مقرر در ماده ۲۳۰ است یعنی اختاریه به کفیل یا وثیقه‌گذار ابلاغ قانونی شده باشد و تا یک ماه پس از ابلاغ اختاریه کفیل یا وثیقه‌گذار محکوم‌علیه را حاضر نکند).
 - امکان وصول دیه از بیمه وجود نداشته باشد.
- نکته ۳-** زمانی که در مورد متهم وجه التزام صادر شده است یا خود متهم وثیقه گذاشته است دو حالت مختلف دارد:
- محکوم‌علیه حاضر شود و عاجز از پرداخت ضرر و زیان و دیه یا جزای نقدی باشد: اگر امکان وصول از بیمه وجود نداشته باشد ضرر و زیان و دیه و جزای نقدی با رعایت مستثنیات دین از وثیقه اخذ می‌شود. (به عبارتی اگر وثیقه جزء مستثنیات دین باشد ضرر و زیان و دیه و جزای نقدی از وثیقه وصول نمی‌شود).
 - محکوم‌علیه حاضر نشود: در صورتی که امکان اخذ دیه یا ضرر و زیان از بیمه وجود نداشته باشد دیه و ضرر و زیان و همچنین جزای نقدی بدون توجه به مستثنیات دین از وجه التزام یا وثیقه کسر می‌گردد. (به عبارتی در این مورد حتی اگر مال وثیقه گذاشته شده جزء مستثنیات دین باشد هم وصول می‌شود).
- نکته ۴-** در مورد ماده ۵۳۸ و تبصره ماده ۲۳۰ ذکر این نکته ضروری است که مالی که به وثیقه گذاشته می‌شود ممکن است به اندازه مقدار تعیین شده توسط مقام قضایی یا بیشتر باشد مثلاً اگر مقام قضایی مبلغ وثیقه را ۲۰۰ میلیون تومان تعیین کند و وثیقه‌گذار خانه خود را به وثیقه بگذارد ممکن است ارزش خانه ۵۰۰ میلیون تومان (یعنی ۳۰۰ میلیون تومان بیش از مبلغ وثیقه) باشد برطبق تبصره ماده ۲۳۰ این ۳۰۰ میلیون تومان تحت هیچ شرایطی به نفع دولت ضبط نمی‌شود و به وثیقه‌گذار مسترد می‌گردد (ولو اینکه وثیقه‌گذار تعهد خود را انجام نداده باشد) اما اگر ضرر و زیان یا دیه کمتر از میزان وثیقه (مثلاً ۵۰ میلیون تومان) باشد بعد از دادن ضرر و زیان یا دیه مابقی مبلغ تا

میزان وثیقه (۱۵۰ میلیون تومان باقی مانده^۱) به نفع دولت ضبط می‌شود یعنی در فرضی که ضرر و زیان بزه دیده ۵۰ میلیون تومان، میزان وثیقه تعیین شده توسط قاضی ۲۰۰ میلیون تومان و ارزش مال وثیقه گذاشته شده ۵۰۰ میلیون تومان بوده و وثیقه ضبط شود، ۵۰ میلیون به بزه‌دیده داده می‌شود ۱۵۰ میلیون به نفع دولت ضبط می‌شود و ۳۰۰ میلیون به وثیقه گذار پس داده می‌شود.

ماده ۲۳۴- در صورت فوت کفیل یا وثیقه‌گذار، **قرار قبولی کفالت یا وثیقه منتفی است و متهم حسب مورد، باید نسبت به معرفی کفیل یا ایداع وثیقه جدید اقدام کند، مگر آنکه دستور اخذ وجه‌الکفاله یا ضبط وثیقه صادر شده باشد.**

نکته ۱- در صورت صدور دستور اخذ وجه‌الکفاله یا وثیقه، فوت کفیل یا وثیقه‌گذار باعث منتفی شدن قرار کفالت یا وثیقه نمی‌شود اما فوت کفیل یا وثیقه‌گذار قبل از صدور دستور اخذ وجه‌الکفاله یا وثیقه، کفالت یا وثیقه منتفی می‌شود. بنابراین اگر کفیل یا وثیقه‌گذار تعهد خود را انجام نداده باشند ولی قبل از صدور دستور دادستان فوت شوند قرار قبول کفالت یا وثیقه منتفی می‌شود و دادستان نمی‌تواند دستور اخذ وجه‌الکفاله یا ضبط وثیقه را بدهد همچنین اگر کفیل یا وثیقه‌گذار بعد از صدور دستور دادستان فوت شوند (ولو اینکه هنوز عملیات اجرایی اخذ وجه‌الکفاله یا ضبط وثیقه شروع نشده باشد) مبلغ وجه‌الکفاله وصول و وثیقه اخذ می‌شود.

ماده ۲۳۵- متهم، کفیل و وثیقه‌گذار می‌توانند در موارد زیر ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور دادستان، درباره اخذ وجه التزام، وجه‌الکفاله و یا ضبط وثیقه اعتراض کنند. مرجع رسیدگی به این اعتراض، **دادگاه کیفری دو است:**
الف) هرگاه مدعی شوند در اخذ وجه‌التزام و وجه‌الکفاله و یا ضبط وثیقه مقررات مربوط رعایت نشده است.
ب) هرگاه مدعی شوند متهم در موعد مقرر حاضر شده یا او را حاضر کرده‌اند یا شخص ثالثی متهم را حاضر کرده است.

۱. در اینجا چون میزان وثیقه‌ی تعیین شده ۲۰۰ میلیون تومان و میزان ضرر و زیان بزه دیده ۵۰ میلیون تومان است بعد از کسر ۵۰ میلیون از ۲۰۰ میلیون، باقی مانده مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان می‌شود.

پ) هرگاه مدعی شوند به جهات مذکور در ماده (۱۷۸)^۱ این قانون، متهم نتوانسته حاضر شود یا کفیل و وثیقه‌گذار به یکی از آن جهات نتوانسته‌اند متهم را حاضر کنند.

ت) هرگاه مدعی شوند پس از صدور قرار قبولی کفالت یا التزام معسر شده‌اند.

ث) هرگاه کفیل یا وثیقه‌گذار مدعی شوند تسلیم متهم، به علت فوت او در مهلت مقرر ممکن نبوده است.

تبصره ۱- دادگاه در تمام موارد فوق، خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات دادرسی به شکایت رسیدگی می‌کند. رأی دادگاه قطعی است.

تبصره ۲- مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به دستور رئیس یا دادرس دادگاه عمومی بخش، دادگاه کیفری دو نزدیکترین شهرستان آن استان است.

تبصره ۳- درخصوص بند (ت)، دادگاه به ادعای اعسار متهم یا کفیل رسیدگی و در صورت احراز اعسار آنان، به معافیت آنان از پرداخت وجه التزام یا وجه‌الکفاله حکم می‌کند.

نکته ۱- مرجع اعتراض به دستور دادستان در مورد اخذ وجه التزام یا وجه‌الکفاله و ضبط وثیقه مطلقاً دادگاه کیفری دو است. (صرف نظر از اینکه رسیدگی به جرم ارتكابی در صلاحیت کدام دادگاه است.) رأی دادگاه کیفری دو هم قطعی و غیر قابل اعتراض است.

نکته ۲- با توجه به بند ب ماده، مباشرت کفیل یا وثیقه‌گذار در تحویل دادن متهم به مقام قضایی شرط تحقق انجام تعهد آنها نیست به عبارتی چه کفیل یا وثیقه‌گذار متهم را تحویل دهد چه خود متهم نزد مقام قضایی حاضر شود و چه شخص ثالثی غیر از متهم و کفیل و وثیقه‌گذار متهم را تحویل دهند کفیل و وثیقه‌گذار بری شده و امکان اخذ وجه‌الکفاله یا ضبط وثیقه وجود ندارد.

نکته ۳- در بند ت صرفاً به اعسار از وجه التزام و وجه‌الکفاله اشاره شده است بنابراین اعسار وثیقه‌گذار مانع از ضبط وثیقه نیست.

۱. جهات مذکور در ماده ۱۷۸ عبارتند از:

الف) نرسیدن یا دیر رسیدن احضاریه به‌گونه‌ای که مانع از حضور شود.
 ب) بیماری متهم و بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد وی که مانع از حضور شود.
 پ) همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم فوت شود.
 ت) ابتلا به حوادث مهم از قبیل بیماری‌های واگیردار و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب عدم امکان تردد گردد.

ث) متهم در توقیف یا حبس باشد.

ج) سایر مواردی که عرفاً به تشخیص بازپرس عذر موجه محسوب می‌شود.

ماده ۲۳۶- در صورتی که متهم پس از صدور دستور دادستان مبنی بر اخذ وجه التزام یا وجه الكفاله و یا ضبط وثیقه و پیش از اتمام عملیات اجرایی، در مرجع قضایی حاضر شود یا کفیل یا وثیقه گذار او را حاضر کند، دادستان با رفع اثر از دستور صادره، دستور اخذ یا ضبط حداکثر تا یک چهارم از وجه قرار را صادر می کند. در این صورت، اعتبار قرار تأمین صادره به قوت خود باقی است. هرگاه متهم خود ایداع وثیقه کرده باشد، مکلف است، نسبت به تکمیل وجه قرار اقدام کند و چنانچه شخص ثالث از متهم کفالت نموده و یا ایداع وثیقه کرده باشد و رفع مسؤولیت خود را درخواست نکند، مکلف است نسبت به تکمیل وجه قرار اقدام کند. در صورتی که شخص ثالث، رفع مسؤولیت خود را درخواست کند، متهم حسب مورد، نسبت به معرفی کفیل یا وثیقه گذار جدید اقدام می کند.

تبصره ۱- هرگاه متهم یا وثیقه گذار یا کفیل، ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور ضبط بخشی از وجه قرار، معادل وجه مقرر را به صندوق دولت واریز کند، ضبط انجام نمی شود و اعتبار قرار تأمین صادره به صورت کامل به قوت خود باقی است.

تبصره ۲- در صورت تحت تعقیب قرار گرفتن اتباع بیگانه و تقاضای آنان بازپرس مکلف است مشخصات و نوع اتهام آنها را بلافاصله جهت اقدام لازم به دادستانی کل کشور اعلام نماید، تا از آن طریق وفق مقررات به مراجع ذی ربط اعلام شود. چنانچه تعقیب این افراد منجر به محکومیت قطعی شود، قاضی اجرای احکام خلاصه ای از دادنامه را جهت اجرای این تبصره به دادستانی کل اعلام می کند. در صورت تقاضای ملاقات از سوی کنسولگری مربوط، مراتب به دادستانی کل اعلام می شود تا بر اساس تصمیم آن مرجع، مطابق مقررات اقدام شود.

نکته ۱- برطبق رأی وحدت رویه شماره ۶۷۵ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۱۴ و اصول کلی حقوقی بعد از صدور دستور دادستان مبنی بر اخذ وجه الكفاله یا ضبط وثیقه، باید وجه الكفاله اخذ یا وثیقه ضبط شود ولو اینکه بعد از صدور دستور دادستان، متهم حاضر شود یا اینکه کفیل یا وثیقه گذار وی را حاضر کند یا حتی پس از رسیدگی، بی گناهی متهم ثابت و در مورد وی حکم برائت صادر شود.

البته این ماده ارفاقی را برای کفیل و وثیقه گذار قائل شده است و اگر قبل از اتمام (نه آغاز) عملیات اجرایی متهم نزد مقام قضایی حاضر شده یا کفیل یا وثیقه گذار او را حاضر کنند دادستان با رفع اثر از دستور صادره، دستور اخذ یا ضبط حداکثر تا یک چهارم از وجه قرار (نه الزاماً یک چهارم وجه قرار) را صادر می کند.

۱/۱- لازم به توضیح است اگر مهلت یک ماهه کفیل یا وثیقه گذار برای تحویل متهم تمام شده باشد اما کفیل یا وثیقه گذار متهم را قبل از دستور دادستان حاضر کنند دادستان نمی‌تواند دستور اخذ وجه‌الکفاله یا ضبط وثیقه را بدهد و در نتیجه هیچ مقداری از مبلغ وجه‌الکفاله و وثیقه وصول یا ضبط نمی‌شود.

۱/۲- در صورتی که متهم بعد از دستور دادستان و پیش از اتمام عملیات اجرایی نزد مقام قضایی حاضر شود یا کفیل و وثیقه‌گذار وی را حاضر کند دادستان موظف به اخذ یا ضبط بخشی از مبلغ کفالت یا وثیقه است اما میزان آن حداکثر یک چهارم است و حداقلی مقرر نشده است و دادستان می‌تواند هر میزان از مبلغ کفالت یا وثیقه (تا سقف یک چهارم) را ضبط کند.

۱/۳- همانطور که از نکات بالا مشخص است جمع بندی این مبحث به این نحو است که در صورت انقضای مهلت یک ماهه‌ی کفیل یا وثیقه‌گذار به این نحو عمل می‌شود:

- در صورتی که متهم را قبل از صدور دستور دادستان حاضر کنند: هیچ مقداری از وجه‌الکفاله یا وثیقه وصول یا ضبط نمی‌شود.
 - در صورتی که متهم را تا پیش از اتمام عملیات اجرایی حاضر کنند: حداکثر تا یک چهارم وجه‌الکفاله یا وثیقه وصول یا ضبط می‌شود.
 - در صورتی که بعد از پایان عملیات اجرایی متهم را حاضر کنند: کل مبلغ وجه‌الکفاله و وثیقه وصول یا ضبط می‌شود.
- نکته ۲- در مواردی که طبق این ماده بخشی از مبلغ وجه‌الکفاله یا وثیقه وصول یا اخذ شود به این نحو عمل می‌شود:

- اگر خود متهم وثیقه گذاشته باشد: موظف است نسبت به تکمیل وثیقه اقدام کند.
- اگر شخصی از متهم کفالت کرده باشد یا وثیقه گذاشته باشد: اگر رفع مسؤولیت خود را بخواهد متهم باید نسبت به معرفی کفیل یا وثیقه گذار جدید اقدام کند و اگر کفیل یا وثیقه گذار رفع مسؤولیت خود را درخواست نکند باید نسبت به تکمیل قرار کفالت یا وثیقه اقدام کند.

قرارهای نهایی در دادسرا

نکته ۱- بازپرس و مقامات دادسرا حق صدور حکم را ندارند و فقط نظر خود را در قالب قرار صادر می‌کنند.

نکته ۲- در قانون ۵ قرار نهایی وجود دارد و سایر قرارها قرار نهایی نیستند قرارهای نهایی عبارتند از:

- قرار موقوفی تعقیب و موقوفی اجرای مجازات (ماده ۱۳)
- قرار بایگانی کردن پرونده (ماده ۸۰)
- قرار توقف تحقیقات (ماده ۱۰۴)
- قرار منع تعقیب (ماده ۲۶۵)
- قرار جلب به دادرسی (ماده ۲۶۵)

۱- قرار موقوفی تعقیب و موقوفی اجرای مجازات

ماده ۱۳- تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:

الف- فوت متهم یا محکوم‌علیه

ب- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت

پ- شمول عفو

ت- نسخ مجازات قانونی

ث- شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون

ج- توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون

چ- اعتبار امر مختوم

تبصره ۱- درباره دیه مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می‌گردد.

تبصره ۲ (اصلاحی مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴)- هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه در جرائم حق‌الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم یا سرپرست قانونی وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.

ماده ۲۰۲- هرگاه بازپرس در جریان تحقیقات احتمال دهد متهم هنگام ارتکاب جرم مجنون بوده است، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به عمل می‌آورد، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می‌کند و با احراز جنون، پرونده را با صدور قرار موقوفی تعقیب نزد دادستان می‌فرستد. در صورت موافقت دادستان با نظر بازپرس، چنانچه جنون استمرار داشته باشد شخص مجنون بنا بر ضرورت، حسب دستور دادستان به مراکز مخصوص نگهداری و درمان سازمان بهزیستی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منتقل می‌شود. مراکز مذکور مکلف به پذیرش می‌باشند و در صورت امتناع از اجرای دستور دادستان، به مجازات امتناع از دستور مقام قضائی مطابق قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

تبصره ۱- آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط وزیر دادگستری با همکاری وزرای بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد.

تبصره ۲- چنانچه جرایم مشمول این ماده مستلزم پرداخت دیه باشد، طبق مقررات مربوط اقدام می‌شود.

ماده ۳۷۰- چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی، احتمال دهد متهم حین ارتکاب جرم مجنون بوده است، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به عمل می‌آورد، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می‌کند و با احراز جنون، نسبت به اصل اتهام به صدور قرار موقوفی تعقیب مبادرت می‌کند و با رعایت اقدامات تأمینی برای متهم تصمیم می‌گیرد.

تبصره- چنانچه جرایم مشمول این ماده مستلزم پرداخت دیه باشد، طبق مقررات مربوط اقدام می‌شود.

ماده ۶۹۲- در صورت انحلال غیر ارادی شخص حقوقی حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرا صادر می‌شود. مقررات مربوط به قرار موقوفی تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است. در مورد دیه و خسارت ناشی از جرم وفق مقررات مربوط اقدام می‌شود.

ماده ۵۰۵- در مواردی که مطابق مقررات، اجرای رأی موقوف می‌شود، قاضی اجرای احکام کیفری قرار موقوفی اجرا صادر می‌کند.

نکته ۱- این ماده به قرار موقوفی تعقیب و موقوفی اجرا اشاره دارد. قرار موقوفی تعقیب زمانی صادر می‌شود که جامعه تعقیب متهم را به صلاح ندانسته و از تعقیب متهم صرف نظر کند (صرف نظر از اینکه متهم مرتکب جرم شده یا نشده باشد)

نکته ۲- جهات صدور قرار موقوفی تعقیب و اجرا مانند هم هستند ضمناً جهات موقوفی منحصر در موارد مذکور در مواد فوق نیست و هر جهت دیگری که باعث شود مقام قضایی بدون توجه به

ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم تعقیب یا مجازات را شروع نکرده یا ادامه ندهد باعث صدور قرار موقوفی تعقیب یا اجرای حکم است مانند مصونیت سیاسی دیپلمات‌ها و انحلال غیر ارادی شخص حقوقی.

نکته ۳- به جهات موقوفی تعقیب، جهات سقوط دعوی عمومی نیز گفته می‌شود البته در جنون و مصونیت سیاسی هر چند قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود اما این دو مورد از جهات سقوط دعوی عمومی نیست بلکه از موانع تعقیب محسوب می‌شود.

نکته ۴- جهات سقوط دعوی عمومی به جهات شخصی و عینی تقسیم می‌شود که عبارتند از:

- جهات شخصی سقوط دعوی عمومی: به این معنی است که وجود امری در مورد شخص متهم یا بزه‌دیده مانع تعقیب دعوی عمومی شود جهات شخصی عبارتند از: فوت متهم یا محکوم‌علیه، گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت، عفو، توبه

- جهات عینی دعوی عمومی: به این معنی که به دلیل برخی از مصالح اجتماعی (نه وجود ویژگی خاصی در متهم یا بزه‌دیده) دعوی عمومی ساقط شود جهات عینی عبارتند از: نسخ قانون، اعتبار امر مختوم، مرور زمان.

۴/۱- منظور از اعتبار امر مختوم این است که به رفتار ارتكابی مرتکب، یک بار در دادگاه‌های ایران رسیدگی شده و رسیدگی منجر به صدور حکم یا قرار قطعی شده باشد در این صورت اگر مجدداً پرونده‌ای برای آن رفتار در دادسرا یا دادگاه مطرح شود دادسرا یا دادگاه موظف به صدور قرار موقوفی تعقیب است.

نکته ۵- اگر جهات مذکور در این مواد قبل از آغاز عملیات اجرایی مجازات رخ دهد قرار موقوفی تعقیب و اگر بعد از آغاز عملیات اجرایی مجازات رخ دهد قرار موقوفی اجرای حکم صادر می‌شود. قرار موقوفی تعقیب توسط دادیار یا بازپرس یا دادگاه و قرار موقوفی اجرا، توسط قاضی اجرای احکام صادر می‌شود.

نکته ۶- در مورد جنون مرتکب لازم به توضیح است جنون فقط زمانی از جهات موقوفی تعقیب محسوب می‌شود که مرتکب حین ارتکاب جرم مجنون باشد و اگر مرتکب در حین ارتکاب جرم مجنون نباشد و پس از ارتکاب جرم مجنون شود قرار موقوفی تعقیب صادر نمی‌شود.

۶/۱- اگر مرتکب در هنگام ارتکاب جرم مجنون نبوده ولی قبل از صدور حکم قطعی مجنون شود اصل بر این است که تعقیب و محاکمه وی تا زمان افاقه متوقف می‌شود مگر اینکه هر دو شرط زیر وجود داشته باشد (که در این صورت تعقیب و محاکمه وی ادامه پیدا می‌کند).

- جرم ارتكابی جرایم حق‌الناسی باشد.

- شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند.

- ۶/۲- اگر مرتکب هنگام ارتکاب جرم مجنون بنوده ولی بعد از صدور حکم قطعی مجنون شود برطبق مواد ۱۵۰ ق.م.ا و ۵۰۳ ق.آ.د.ک به نحو زیر عمل می‌شود:
- در جرایم موجب حد، قصاص، دیه و مجازات‌های تعزیری مالی: حکم قطعی اجرا خواهد شد.
 - در تمامی مجازات‌های تعزیری غیر از مجازات‌های مالی: اجرای حکم تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد. در این مورد اگر مجازات مرتکب حبس باشد یا مرتکب به علت عدم پرداخت جزای نقدی در حبس باشد تا بهبودی، در بیمارستان روانی یا مکان مناسب دیگری نگهداری می‌شود. این ایام جزء مدت محکومیت وی محاسبه می‌شود.
- نکته ۷- طبق ماده ۴۵۳ ق.م.ا دیه احکام و آثار مسؤولیت مدنی را دارد به همین با صدور قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای حکم (به هر علتی از جمله فوت متهم) مسؤولیت مرتکب برای پرداخت دیه ساقط نمی‌شود.
- ۷/۱- در صورت صدور قرار موقوفی تعقیب یا اجرای حکم، جزای نقدی ساقط می‌شود.

۲- قرار بایگانی کردن پرونده

ماده ۸۰ (اصلاحی مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴) - در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یک‌بار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض است.

تبصره- مرجع تجدیدنظر قرار موضوع این ماده و سایر قرارهای قابل اعتراض مربوط به تحقیقات مقدماتی جرائمی که به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شوند، دادگاه تجدیدنظر است.

- نکته ۱- یکی از مصادیق اصل مناسب بودن تعقیب همین ماده (قرار بایگانی کردن پرونده) است. منظور از بایگانی کردن این است که پرونده به طور دائمی بایگانی شده و متهم هیچ‌گاه تعقیب، محاکمه و مجازات نشود.
- ۱/۱- باید توجه داشت در برخی از مواد قانون از بایگانی کردن موقت پرونده سخن گفته شده است (مانند قرار اناطه در ماده ۲۱ و قرار توقف تحقیقات در ماده ۱۰۴) مقصود از بایگانی کردن در این مواد، صدور قرار بایگانی پرونده نیست (بنابراین این موارد تابع احکام و شرایط بایگانی کردن پرونده نیست) در این موارد منظور از بایگانی کردن پرونده این است که پرونده به طور موقت از

رسیدگی یا تحقیقات مقدماتی خارج شود تا پس از مدتی در صورت وجود شرایط قانونی مجدداً به پرونده رسیدگی شود در حالی که در بایگانی کردن پرونده، پرونده به طور دائم بایگانی می‌شود.

نکته ۲- قرار بایگانی پرونده فقط در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ صادر می‌شود.

نکته ۳- با توجه به اینکه بر طبق ماده ۳۴۰ ق.آ.د.ک به جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شود لذا مرجع صدور قرار بایگانی پرونده دادگاه است. (نه دادسرا)

نکته ۴- تبصره این ماده حکم کلی را در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود پیش‌بینی کرده است لازم به توضیح است زمانی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود دادگاه ابتدا تحقیقات مقدماتی را انجام می‌دهد سپس وارد مرحله رسیدگی می‌شود بر طبق این تبصره اگر دادگاه در حین تحقیقات مقدماتی (نه زمانی که در مرحله رسیدگی است) قرار قابل اعتراضی را صادر کند مرجع تجدیدنظر از این قرار مطلقاً دادگاه تجدیدنظر استان است اما زمانی که دادگاه در مرحله رسیدگی قرار قابل اعتراضی صادر کند حکم تبصره ماده ۸۰ جاری نشده و این قرار حسب مورد قابل اعتراض در دیوان عالی کشور یا دادگاه تجدیدنظر است. (مواد ۴۲۶ و ۴۲۸)

۳- قرار توقف تحقیقات

ماده ۱۰۴- بازپرس نمی‌تواند به عذر آن که متهم معین نیست، مخفی شده و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف کند. در جرائم تعزیری درجه چهار، پنج، شش، هفت و هشت، هرگاه با انجام تحقیقات لازم، مرتکب جرم معلوم نشود و دو سال تمام از وقوع جرم بگذرد، با موافقت دادستان، قرار توقف تحقیقات صادر و پرونده به طور موقت بایگانی و مراتب در مواردی که پرونده شاکی دارد، به شاکی ابلاغ می‌شود. شاکی می‌تواند ظرف مهلت اعتراض به قرارها، به این قرار اعتراض کند. هرگاه شاکی، هویت مرتکب را به دادستان اعلام کند یا مرتکب به نحو دیگری شناخته شود، به دستور دادستان موضوع مجدداً تعقیب می‌شود. در مواردی که پرونده مطابق قانون به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح شود، دادگاه رأساً، مطابق مقررات این ماده اقدام می‌کند.

نکته ۱- عدم شناسایی یا حضور متهم باعث توقف تحقیقات نیست فقط در صورت وجود تمامی شرایط زیر قرار توقف تحقیقات صادر و پرونده به طور موقت بایگانی می‌شود:

- جرم ارتكابی از جرایم تعزیری درجه ۴ تا ۸ باشد (بنابراین در جرایم موجب حد و قصاص و دیه و تعزیر درجه یک تا سه قرار توقف تحقیقات صادر نمی‌شود).
- دو سال از تاریخ وقوع جرم (نه تاریخ شروع تحقیقات) گذشته باشد.

- مرتکب جرم معلوم نشود به این معنی که مشخص نباشد چه کسی مرتکب جرم شده است بنابراین اگر مرتکب جرم معلوم شده باشد اما به وی دسترسی حاصل نشده باشد قرار توقف تحقیقات صادر نمی‌شود.

۴ و ۵- قرار منع تعقیب و جلب به دادرسی

ماده ۲۶۵- بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی و در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می‌کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند. چنانچه مورد از موارد موقوفی تعقیب باشد، قرار موقوفی تعقیب صادر و وفق مقررات فوق اقدام می‌شود.

نکته ۱- قرار منع تعقیب در دو مورد صادر می‌شود:

- عمل ارتكابی جرم نباشد: به این معنی که عنوان ادعا شده در قوانین جرم شناخته نشده باشد (مانند عدم پرداخت مهریه که در قوانین جرم انگاری نشده است) یا اینکه عنوان ادعایی جرم باشد اما یکی از عناصری که در قانون شرط تحقق جرم دانسته شده مفقود باشد مانند اینکه «الف» متهم به سرقت اتومبیل باشد ولی مشخص شود اتومبیل ربوده شده متعلق به «الف» است که چون سرقت به معنی ربودن مال غیر است و در اینجا مال، متعلق به «الف» است لذا سرقت اتفاق نیفتاده و قرار منع تعقیب صادر می‌شود.
 - ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد: به این معنی که جرمی اتفاق افتاده باشد ولی دلیل کافی بر اینکه متهم این جرم را انجام داده است وجود نداشته باشد مانند اینکه «الف» به قتل رسیده و مقام قضایی اطمینان به تحقق قتل داشته و «ب» متهم به قتل باشد ولی مقام قضایی دلیل کافی مبنی بر اینکه «ب» قاتل است را در دست نداشته باشد.
- نکته ۲-** تفاوت قرار منع تعقیب و موقوفی تعقیب: در قرار منع تعقیب بر ارتكاب جرم یا انتساب جرم به متهم وجود ندارد ولی در قرار موقوفی تعقیب مقام قضایی بدون توجه به اینکه رفتار ارتكابی جرم است یا نه و صرف نظر از اینکه متهم مرتکب جرم شده یا نه به دلیل اینکه قانون گذار ادامه تعقیب متهم را جایز ندانسته است قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند.
- نکته ۳-** تفاوت قرار منع تعقیب با حکم برائت: هم قرار منع تعقیب و هم حکم برائت زمانی صادر می‌شود عمل ارتكابی جرم نباشد یا ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد. اما تفاوت این دو مورد در این است که قرار منع تعقیب در مرحله تحقیقات مقدماتی (اعم از اینکه

این مرحله در دادسرا یا دادگاه انجام شود^۱ صادر می‌شود اما حکم برائت در مرحله رسیدگی در دادگاه صادر می‌شود.

نکته ۴- قرار جلب به دادرسی به این معنی است که بعد از تحقیقات مقدماتی مقام قضایی متهم را شایسته محاکمه بداند و در واقع هم عمل ارتكابی را جرم بداند و هم رفتار ارتكابی را به متهم مستسب بداند.

نکته ۵- قرار جلب به دادرسی در قانون سابق، قرار مجرمیت نام داشت بنابراین در قوانین دیگری که از قرار مجرمیت نام برده شده است، مقصود قرار جلب به دادرسی است.

نکته ۶- در این ماده مهلت دادستان برای اظهار نظر در مورد قرارهای منع تعقیب، موقوفی تعقیب و جلب به دادرسی صادره از جانب بازپرس سه روز دانسته شده است. در مواردی که قرارهای نهایی توسط دادیار صادر شده باشد باید در همان روز به نظر دادستان برسد و دادستان هم موظف است ظرف ۲۴ ساعت نسبت به آن اظهار نظر کند.

ماده ۲۶۶- چنان چه دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند، صرفاً مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در پرونده درج می‌کند و تکمیل آن را می‌خواهد. در این صورت، بازپرس مکلف به انجام این تحقیقات است. تبصره- هرگونه درخواست تکمیل تحقیقات که برای کشف حقیقت لازم نباشد، موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه است.

نکته ۱- همانگونه که گفته شد این ماده از معدود استثنائات استقلال بازپرس از دادستان است و در مواردی که دادستان تحقیقات را کامل نداند بازپرس حق مخالفت ندارد و موظف است تحقیقات اعلام شده توسط دادستان را انجام دهد.

ماده ۲۶۷- در صورت موافقت دادستان با قرار بازپرس، در خصوص عدم صلاحیت، پرونده به مرجع صالح ارسال می‌شود و در موارد موقوفی یا منع تعقیب، بازپرس مراتب را به طرفین ابلاغ می‌کند. در این صورت، قرار تأمین و قرار نظارت قضائی ملغی می‌گردد و چنان چه متهم بازداشت باشد، بلافاصله آزاد می‌شود. قاضی مربوط مکلف است از قرار تأمین مأخوذه رفع اثر نماید.

۱. بنابراین اگر دادگاه در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح شده است دادگاه در مقام انجام تحقیقات مقدماتی عمل ارتكابی را جرم نداند یا منتسب به متهم نداند قرار منع تعقیب صادر می‌کند. (نه حکم برائت)

نکته ۱- همانگونه که گفته شد با صدور قرار موقوفی یا منع تعقیب و حکم برائت قرار تأمین و نظارت قضایی لغو می‌شود و نیازی به قطعیت آن‌ها نیست.

ماده ۲۶۸- در صورتی که عقیده دادستان و بازپرس بر جلب متهم به دادرسی باشد، دادستان ظرف دو روز با صدور کیفرخواست، از طریق شعبه بازپرسی بلافاصله پرونده را به دادگاه صالح ارسال می‌کند.

ماده ۲۶۹- در هر مورد که دادستان با عقیده بازپرس مخالف باشد و بازپرس بر عقیده خود اصرار کند، پرونده برای حل اختلاف، به دادگاه صالح ارسال و طبق تصمیم دادگاه عمل می‌شود.

نکته ۱- ذیل ماده ۲۷۲ توضیح داده خواهد شد.

ماده ۲۷۰- علاوه بر موارد مقرر در این قانون، قرارهای بازپرس در موارد زیر قابل اعتراض است:
الف) قرار منع و موقوفی تعقیب و اناطه به تقاضای شاکی
ب) قرار بازداشت موقت، ابقا و تشدید تأمین به تقاضای متهم
پ) قرار تأمین خواسته به تقاضای متهم
تبصره- مهلت اعتراض به قرارهای قابل اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ده روز و برای افراد مقیم خارج از کشور یک‌ماه از تاریخ ابلاغ است.

نکته ۱- این ماده قرارهای قابل اعتراض را مشخص کرده است فقط قرارهای مذکور در این ماده و قرارهایی که در دیگر مواد صراحتاً قابل تجدیدنظر دانسته شده قابل تجدیدنظر هستند و سایر قرارها قطعی و غیر قابل تجدیدنظر هستند.

نکته ۲- قرارهایی که طبق مواد دیگر قانون قابل تجدیدنظر دانسته شده‌اند عبارتند از:

- قرار بایگانی کردن پرونده (ماده ۸۰)
- قرار تعلیق تعقیب (ماده ۸۱ و تبصره ۲)
- قرار عدم مطالعه و دسترسی شاکی و متهم به اوراق و اسناد و مدارک موجود در پرونده (تبصره ۱ ماده ۱۰۰ و ماده ۱۹۱)
- قرار توقف تحقیقات (ماده ۱۰۴)
- جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی و تولیدی (ماده ۱۱۴)
- تصمیم بازپرس در مورد ضبط یا استرداد یا معدوم کردن اشیا و ادوات به کار رفته در جرم (تبصره ۲ ماده ۱۴۸)

- قرار کفالت یا وثیقه و عدم پذیرش کفیل یا وثیقه گذار (هر دو مورد فقط در صورتی قابل تجدیدنظر است که متهم در نتیجه صدور قرار کفالت یا وثیقه بازداشت شده باشد). (ماده ۲۲۶)
- قرار بازداشت موقت، قرار رد درخواست متهم برای فک بازداشت موقت، قرار ابقای بازداشت موقت (ماده ۲۴۱ و ۲۴۲)
- قرار نظارت قضایی (ماده ۲۴۷)
- قرار رد ایراد رد دادرسی (ماده ۴۲۳)
- قرار رد درخواست یا دادخواست تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی (ماده ۴۴۰)
- قرار صادر شده به اعتراض شخص متضرر در مورد عملیات و اقدامات مأموران در توقیف داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی (ماده ۶۸۲)
- قرار تأمین صادره در مورد اشخاص حقوقی (ماده ۶۹۰)
- نکته ۳- طبق ماده ۲۷۱ مرجع رسیدگی به اعتراض به قرارهای قابل اعتراض دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اتهام را دارد مثلاً اگر شخصی به ارتکاب قتل عمدی متهم شده باشد و در مورد وی قرار بازداشت موقت صادر شود چون رسیدگی به اتهام قتل عمدی طبق ماده ۳۰۲ در صلاحیت دادگاه کیفری یک است لذا مرجع اعتراض به قرار نیز دادگاه کیفری یک است البته اگر دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک در حوزه قضائی دادرسی تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری دو محل، صالح به رسیدگی است.
- لازم به توضیح است حکم فوق در سه مورد استثنا شده است و در سه مورد دادگاه تجدیدنظر استان صالح به رسیدگی به اعتراض به قرار است صرف نظر از اینکه اتهام متهم در صلاحیت کدام دادگاه است این سه مورد عبارتند از:
 - زمانی که دادگاه در مرحله تحقیقات مقدماتی اقدام به صدور قرار قابل اعتراض کند (صرف نظر از نوع و مجازات جرم ارتكابی و دادگاهی که قرار را صادر کرده است) (تبصره ماده ۸۰)
 - تصمیم بازپرس در مورد ضبط یا استرداد یا معدوم کردن اشیاء و ادوات به کار رفته در جرم. (تبصره ۲ ماده ۱۴۸)
- قرار نظارت قضایی (ماده ۲۴۷)
- نکته ۴- هر چند طبق تبصره ۲ ماده ۲۷۰ مهلت اعتراض به قرارهای قابل اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ده روز و برای افراد مقیم خارج از کشور یک‌ماه از تاریخ ابلاغ است اما در برخی موارد مهلت دیگری برای اعتراض به قرار در نظر گرفته شده است این موارد عبارتند از:
 - قرار جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی و تولیدی ظرف ۵ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض است. (ماده ۱۱۴)

- قرار عدم مطالعه و دسترسی شاکی و متهم به اوراق و اسناد و مدارک موجود در پرونده ظرف ۳ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض هستند. (تبصره ۱ ماده ۱۰۰ و ماده ۱۹۱)
- نکته ۵- هر چند در این ماده قرار موقوفی تعقیب فقط توسط شاکی قابل اعتراض دانسته شده است اما برطبق مواد ۳۸۹ و ۳۹۰ در صورتی که قرار موقوفی تعقیب توسط دادگاه کیفری یک، نظامی یک و انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند صادر شود علاوه بر شاکی، مدعی خصوصی و دادستان هم حق اعتراض دارند.
- نکته ۶- سایر قرارهای مذکور در قانون قطعی و غیر قابل اعتراض هستند از جمله این قرارها عبارتند از:
 - جلب به دادرسی (ماده ۲۶۵)
 - قرار عدم صلاحیت محلی و ذاتی (ماده ۳۴۰) (البته اگر قرار عدم صلاحیت از جانب دادگاه کیفری یک، نظامی یک و انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند صادر شده باشد طبق ماده ۳۹۰ توسط دادستان قابل اعتراض است).
 - قرار غیر علنی بودن محاکمه در دادگاه (ماده ۳۵۲)
 - قرار قبول تجدیدنظرخواهی در مواردی که تجدیدنظر خواه بعد از مهلت مقرر تجدیدنظرخواهی کرده و عذر موجه خود را ثابت کرده است. (ماده ۴۳۲)
 - قرار رفع نقص (ماده ۳۸۹ و ۴۵۰)
 - قرار رد اعاده دادرسی (ماده ۴۷۶)

ماده ۲۷۱- مرجع حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به آن اتهام را دارد. چنانچه دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک در حوزه قضائی دادسرا تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری دو محل، صالح به رسیدگی است.

ماده ۲۷۲- در صورت اختلاف دادستان و بازپرس در صلاحیت، نوع جرم یا مصادیق قانونی آن، حل اختلاف با دادگاه کیفری دویی است که دادسرا در معیت آن انجام وظیفه می‌کند.

ماده مرتبط

ماده ۲۶۹- در هر مورد که دادستان با عقیده بازپرس مخالف باشد و بازپرس بر عقیده خود اصرار کند، پرونده برای حل اختلاف، به دادگاه صالح ارسال و طبق تصمیم دادگاه عمل می‌شود.

نکته ۱- ماده ۲۷۱ در مورد دادگاه صالح برای رسیدگی به اعتراض به قرارها و رسیدگی به اختلاف دادستان و بازپرس است. در مورد رسیدگی به اعتراض به قرارها ذیل ماده ۲۷۰ توضیحات لازم ارائه شد در اینجا به توضیح در مورد اختلاف دادستان و بازپرس پرداخته می‌شود.

نکته ۲- اصل بر این است که مرجع تصمیم‌گیری در مورد اختلاف بین دادستان و بازپرس دادگاهی است که صالح به رسیدگی به اصل دعواست مثلاً اگر شخصی متهم به جرم محاربه باشد و نظر بازپرس بر منع تعقیب بوده ولی دادستان با این نظر مخالف باشد چون رسیدگی به جرم محاربه طبق ماده ۳۰۳ در صلاحیت دادگاه انقلاب است لذا به اختلاف بین دادستان و بازپرس در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود.

اما در چهار مورد حکم فوق جاری نشده و در این چهار مورد صرف نظر از جرم ارتكابی و دادگاه صالح به رسیدگی به اصل اتهام، **دادگاه کیفری دو** صالح به رسیدگی به اختلاف بین دادستان و بازپرس است این چهار مورد عبارتند از:

- اختلاف در صلاحیت (اعم از صلاحیت ذاتی و محلی)
 - اختلاف در نوع جرم: به این معنی که هم بازپرس و هم دادستان معتقد به ارتكاب جرم توسط متهم باشند ولی در عنوان مجرمانه آن اختلاف نظر داشته باشند مثلاً بازپرس معتقد باشد عمل مرتکب خیانت در امانت است اما دادستان عقیده داشته باشد که عمل مرتکب کلاهبرداری است.
 - اختلاف در مصادیق قانونی: به این معنی که هم بازپرس و هم دادستان معتقد به ارتكاب جرم توسط متهم باشند و در عنوان کلی مجرمانه نیز اختلاف نظر نداشته باشند اما در مورد جزئیات عنوان مجرمانه اختلاف نظر داشته باشند مانند اینکه بازپرس معتقد باشد عمل مرتکب توهین ساده است ولی دادستان عمل مرتکب را توهین مشدده بداند.
 - در غیر از سه مورد فوق زمانی که رسیدگی به جرم در صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب است ولی در آن حوزه قضایی دادگاه کیفری یک یا انقلاب تشکیل نشده باشد نیز دادگاه کیفری دوی آن حوزه صالح به رسیدگی به اختلاف دادستان با بازپرس است.
- ۲/۱- همانگونه که از توضیحات فوق مشخص در اختلاف در نوع جرم و مصادیق قانونی جرم، بازپرس و دادستان هر دو اعتقاد بر مجرمیت متهم دارند بنابراین اگر یک نفر از این دو (بازپرس و دادستان) متهم را مجرم دانسته و عقیده به صدور قرار جلب به دادرسی داشته باشد ولی دیگری متهم را مجرم ندانسته و عقیده بر صدور قرار منع تعقیب داشته باشد مورد مشمول استثنائات ماده ۲۷۲ نیست بلکه مورد مشمول ماده ۲۷۱ بوده و حل اختلاف با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد.

ماده ۲۷۳- حل اختلاف بین بازپرس و دادستان و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، در جلسه فوق العاده دادگاه صورت می‌گیرد. تصمیم دادگاه در این خصوص قطعی است، مگر در مورد قرارهای منع یا موقوفی تعقیب در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که در صورت تأیید، این قرارها مطابق مقررات قابل تجدیدنظر است.

نکته ۱- رأی دادگاه در مورد اختلاف بین بازپرس و دادستان قطعی است مگر در مورد قرارهای منع و موقوفی تعقیب (نه سایر قرارها) فقط در جرایم موضوع بندهای الف تا ت ماده ۳۰۲ که قطعی نبوده و طبق رأی وحدت رویه شماره ۷۵۴ مورخ ۱۳۹۵/۸/۲۵ قابل اعتراض در دیوان عالی کشور است. (نه دادگاه تجدیدنظر استان)

ماده ۲۷۴- دادگاه در صورتی که اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب را موجه بداند، آن را نقض و قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند. در مواردی که به نظر دادگاه، تحقیقات دادرسی کامل نباشد، بدون نقض قرار می‌تواند تکمیل تحقیقات را از دادرسی بخواهد یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات کند. موارد نقض تحقیق باید به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در تصمیم دادگاه قید شود. در صورت نقض قرار اناطه توسط دادگاه، بازپرس تحقیقات خود را ادامه می‌دهد.

ماده ۲۷۵- هرگاه پرونده برای تکمیل تحقیقات به دادرسی اعاده شود، دادرسی مربوط با انجام تحقیقات مورد نظر دادگاه، بدون صدور قرار، مجدداً پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند و اگر در تحقیقات مورد نظر دادگاه ابهامی بیاید، مراتب را برای رفع ابهام از دادگاه استعلام می‌کند.

ماده ۲۷۶- در صورت نقض قرار منع تعقیب و صدور قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه، بازپرس مکلف است متهم را احضار و موضوع اتهام را به او تفهیم کند و با اخذ آخرین دفاع و تأمین مناسب از وی، پرونده را به دادگاه ارسال نماید.

ماده ۲۷۷- در صورت نقض قرار موقوفی تعقیب، بازپرس مطابق مقررات و صرف نظر از جهتی که علت نقض قرار موقوفی تعقیب است، به پرونده رسیدگی و با انجام تحقیقات لازم، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.

نکته ۱- این مواد به زمانی که شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب یا اناطه اعتراض می‌کند و همچنین مواردی که دادگاه تحقیقات را ناقص تشخیص می‌دهد اشاره دارد که در صورتی که دادگاه اعتراض را وارد تشخیص دهد قرار صادره را نقض کرده و به نحو زیر عمل می‌شود:

- نقض قرار منع یا موقوفی: خود دادگاه قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند. (پرونده را برای صدور قرار جلب به دادرسی به دادرسی اعاده نمی‌کند). اما پس از صدور قرار جلب به دادرسی پرونده را

برای انجام تحقیقات و تفهیم اتهام به دادسرا اعاده می‌کند تا دادسرا پس از انجام این امور (بدون صدور کیفرخواست مجدد) به دادگاه اعاده کند.

● **نقض قرار اناطه:** پرونده به دادسرا اعاده می‌شود و بازپرس مکلف است تحقیقات را ادامه دهد.
نکته ۲- در مواردی که دادگاه تحقیقات را ناقص تشخیص دهد حسب اینکه کدام دادگاه است به نحو زیر عمل می‌شود:

● **دادگاه تجدیدنظر (ماده ۴۵۰):** با صدور قرار رفع نقص پرونده را برای تکمیل تحقیقات به دادسرا اعاده می‌کند یا خود دادگاه تجدیدنظر اقدام به تکمیل تحقیقات مقدماتی کند.

● **دادگاه‌های کیفری یک، نظامی یک و انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند (ماده ۳۸۹):** با صدور قرار رفع نقص پرونده را برای تکمیل تحقیقات به دادسرا اعاده می‌کنند (و نمی‌تواند خود اقدام به تکمیل تحقیقات کنند).

● **دیوان عالی کشور (ماده ۴۶۹):** با نقض رأی پرونده را برای تکمیل تحقیقات به دادگاه صادرکننده رأی (نه دادسرا) اعاده می‌کند.

● **سایر دادگاه‌ها (مواد ۲۷۴ و ۳۴۱):** بدون صدور قرار رفع نقص پرونده را برای تکمیل تحقیقات به دادسرا اعاده می‌کند یا خود دادگاه اقدام به تکمیل تحقیقات مقدماتی کند.
 در آزمون‌های حقوقی اگر به طور مطلق به نقص تحقیقات اشاره شده باشد بدون اینکه به دادگاه خاصی اشاره شده باشد باید منطبق با فرض آخر به سؤال پاسخ داده شود.

نکته ۲- زمانی که دادگاه تکمیل تحقیقات را از دادسرا بخواهد با توجه به اینکه دادگاه صرفاً تکمیل تحقیقات را از دادسرا خواسته است لذا اگر دادسرا در هنگام تکمیل تحقیقات متوجه امری شود و تصمیمی که قبلاً گرفته را اشتباه بداند نمی‌تواند تصمیم خود را عوض کند.

ماده ۲۷۸- هرگاه به علت جرم نبودن عمل ارتكابی، قرار منع تعقیب صادر و به هر دلیل قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد. هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل، قرار منع تعقیب صادر و در دادسرا قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید که در این صورت، با نظر دادستان برای یکبار قابل تعقیب است و اگر این قرار در دادگاه قطعی شود، پس از کشف دلیل جدید به درخواست دادستان می‌توان او را برای یکبار با اجازه دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهام، تعقیب کرد. در صورتی که دادگاه، تعقیب مجدد را تجویز کند، بازپرس مطابق مقررات رسیدگی می‌کند.

نکته ۱- در مورد امکان تعقیب مجدد متهم در مواردی که قرار منع تعقیب صادر و قطعی شده است دو حالت وجود دارد:

• قرار منع تعقیب به علت جرم نبودن عمل ارتكابی صادر و قطعی شده باشد: مطلقاً امکان تعقیب متهم وجود ندارد.

• قرار منع تعقیب به دلیل فقدان یا عدم کفایت ادله صادر و قطعی شده باشد: در صورت کشف دلیل جدید و فقط برای یک بار دیگر با شرایط زیر قابل تعقیب است:

۱. اگر قرار در دادسرا قطعی شده باشد^۱: با نظر دادستان

۲. اگر قرار در دادگاه قطعی شده باشد^۲: با درخواست دادستان و تجویز دادگاه

نکته ۲- لازم به توضیح است قانون‌گذار صرفاً در مورد قرار منع تعقیب و در صورت وجود شرایطی که در ماده ذکر شده است امکان تعقیب مجدد متهم را پیش‌بینی کرده و در سایر موارد مانند قرار موقوفی تعقیب و حکم برائت به دلیل اعتبار امر مختومه امکان تعقیب مجدد متهم مطلقاً وجود ندارد.

نکته ۳- به عنوان قاعده کلی باید توجه داشت در تمام مواردی که قرار یا حکمی باعث مجازات نشدن متهم می‌شود و اعتبار امر مختوم دارد (حکم برائت، قرار موقوفی تعقیب و قرار منع تعقیب به دلیل جرم نبودن عمل ارتكابی) **عمل ارتكابی** مشمول اعتبار امر مختوم می‌شود (نه عنوان اتهامی) و نمی‌توان عمل مرتکب را تحت عنوان مجرمانه دیگری تعقیب کرد مثلاً اگر «الف» با دروغ صرف و بدون توسل به وسایل متقلبانه مال «ب» را ببرد و اتهام «الف» تحت عنوان کلاهبرداری در دادسرا مطرح شده و قاضی به دلیل عدم توسل به وسایل متقلبانه، اقدام «الف» را جرم ندانسته و قرار منع تعقیب صادر کرده و این قرار قطعی شود دیگر نمی‌توان «الف» را مجدداً در دادسرا تحت تعقیب قرار داد ولو اینکه این بار عمل وی تحت عنوان دیگری مانند تحصیل مال نامشروع مطرح شود.

۱. یعنی قرار در دادسرا صادر و به دلیل عدم تجدیدنظرخواهی قطعی شود.

۲. یعنی قرار در دادسرا صادر و از آن تجدیدنظرخواهی شده و دادگاه قرار را تأیید کرده باشد.

ماده ۲۷۹- در کیفرخواست موارد زیر قید می‌شود:

الف) مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، شماره ملی، شماره شناسنامه، تابعیت، مذهب، محل اقامت و وضعیت تأهل او.

ب) آزاد، تحت قرار تأمین یا نظارت قضائی بودن متهم و نوع آن و یا بازداشت بودن وی با قید علت و تاریخ شروع بازداشت.

پ) نوع اتهام، تاریخ و محل وقوع جرم اعم از بخش، دهستان، روستا، شهر، ناحیه، منطقه، خیابان و کوچه

ت) ادله انتساب اتهام

ث) مستند قانونی اتهام

ج) سابقه محکومیت مؤثر کیفری متهم

چ) خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم

تبصره- هرگاه در صدور کیفرخواست، سهو قلم یا اشتباه بین صورت گیرد، تا پیش از ارسال به دادگاه، دادستان آن را اصلاح و پس از ارسال کیفرخواست به دادگاه، موارد اصلاحی آن را به دادگاه اعلام می‌کند.

ماده ۲۸۰- عنوان اتهامی که در کیفرخواست ذکر می‌شود، مانع از تعیین عنوان صحیح قانونی توسط دادگاه نیست. در صورتی که مجموع اعمال ارتكابی متهم در نتیجه تحقیقات دادرسی روشن باشد و دادگاه فقط عنوان اتهام را نادرست تشخیص دهد، مکلف است اتهام جدید را به متهم تفهیم، تا از اتهام انتسابی مطابق مقررات دفاع کند و سپس مبادرت به صدور رأی نماید.

نکته ۱- حکم این ماده ناظر به زمانی است که در مورد عملی تحقیقات مقدماتی صورت گرفته باشد و دادگاه صرفاً عنوان اتهامی را نادرست تشخیص دهد مانند اینکه «الف» مال «ب» را تصاحب کرده باشد و دادستان این عمل را در کیفرخواست خیانت در امانت ذکر کرده ولی دادگاه همان عمل را سرقت تشخیص دهد در این صورت دادگاه عنوان اتهامی صحیح را به متهم تفهیم می‌کند (و پرونده را به دادرسی اعاده نمی‌کند).

اما اگر رفتار مجرمانه‌ای از مرتکب سر زده باشد که در دادرسی نسبت به آن تحقیقات مقدماتی صورت نگرفته باشد دادگاه نمی‌تواند آن اتهام را به متهم تفهیم و نسبت به آن اتهام رأی صادر کند مثلاً اگر «الف» مرتکب جعل شده باشد و در دادرسی نسبت به جعل تحقیق صورت گرفته باشد اما دادگاه در حین رسیدگی متوجه شود «الف» علاوه بر جعل از سند مجعول هم استفاده کرده است دادگاه نمی‌تواند اتهام استفاده از سند مجعول را به متهم تفهیم کند بلکه در این مورد دادگاه باید مراتب را

حسب مورد به دادستان یا رئیس حوزه قضایی اعلام کند. (ماده ۳۶۳) (برای دیدن توضیحات کامل این مورد به ماده ۹۹ و مواد مرتبط و نکات ذیل این ماده مراجعه شود).

ماده ۲۸۱- هر گاه قبل از ارسال پرونده به دادگاه، موجبی برای آزادی متهم یا تبدیل قرار تأمین به وجود آید، دادسرا با رعایت مقررات قانونی اقدام می‌کند.

نکته ۱- یکی از قواعد حقوقی، قاعده فراغ دادرس است این قاعده به این معنی است که مقام قضایی بعد از تصمیم نهایی خود، دیگر نمی‌تواند نسبت به دعوا یا شکایتی که به آن رسیدگی کرده است اظهار نظر نماید. این ماده استثنایی به این اصل وارد کرده است و به مقامات دادسرا اجازه داده است اگر قبل از ارسال پرونده به دادگاه موجبی برای آزادی متهم یا تبدیل قرار تأمین به وجود آید (ولو اینکه نسبت به پرونده اظهار نظر نهایی شده باشد) اقدامات قانونی را انجام داده و متهم را آزاد یا قرار را تبدیل کنند.

ماده ۲۸۲- دادستان نمی‌تواند پس از ارسال پرونده به دادگاه از اصل اتهام یا ادله آن عدول و بر این اساس کیفرخواست را مسترد یا اصلاح کند و فقط می‌تواند دلایل جدید له یا علیه متهم را که کشف یا حادث می‌شود به دادگاه اعلام کند.

ماده ۲۸۳- پس از صدور کیفرخواست و قبل از ارسال به دادگاه، هرگاه شاکی در جرائم قابل گذشت، رضایت قطعی خود را به دادستان اعلام کند، در صورت وجود پرونده در دادسرا، دادستان از کیفرخواست عدول می‌کند. در این صورت، قرار موقوفی تعقیب توسط بازپرس صادر می‌شود. در جرائم غیر قابل گذشت، هرگاه شاکی رضایت قطعی خود را اعلام کند، دادستان در صورت فراهم بودن شرایط صدور قرار تعلیق تعقیب، می‌تواند از کیفرخواست عدول و تعقیب را معلق کند و در صورتی که در نتیجه رضایت شاکی نوع مجازات تغییر کند، دادستان از کیفرخواست قبلی عدول و بر این اساس کیفرخواست جدید صادر می‌کند.

نکته ۱- حکم این ماده ناظر به زمانی است که کیفرخواست صادر شده ولی هنوز پرونده به دادگاه ارسال نشده است و در همین زمان، شاکی رضایت (یا به عبارت دقیق‌تر گذشت) خود را اعلام کند که در این مورد به ترتیب زیر اقدام می‌شود:

• اگر جرم قابل گذشت باشد: دادستان از کیفرخواست عدول می‌کند و بازپرس (نه دادستان) قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند.

• اگر جرم غیر قابل گذشت باشد: دو حالت دارد که عبارتند از:

۱. اگر در نتیجه گذشت شاکی عنوان اتهامی عوض شود مانند سرقت حدی که با گذشت شاکی تبدیل به سرقت تعزیری تبدیل می‌شود: دادستان باید از کیفرخواست عدول کرده و کیفرخواست جدید صادر کند.

۲. اگر در نتیجه گذشت شاکی عنوان اتهامی عوض نشود: دادستان می‌تواند در صورت وجود شرایط تعلیق تعقیب، تعلیق را تعقیب کند.

۱/۱- در آزمون‌های حقوقی اگر به طور مطلق به گذشت شاکی در جرایم غیر قابل گذشت اشاره باشد (بدون اینکه به این امر که آیا با گذشت عنوان اتهامی عوض می‌شود یا نمی‌شود تصریح شده باشد) باید مطابق با فرضی که عنوان اتهامی عوض نمی‌شود به سؤال پاسخ داده شود.

ماده ۲۸۴- در صورت انتساب اتهامات متعدد به متهم که رسیدگی به آنها در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف است، کیفرخواست جداگانه خطاب به هر یک از دادگاه‌های صالح صادر می‌شود.

نکته ۱- اگر رسیدگی به اتهامات متعدد در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف باشد چند کیفرخواست صادر می‌شود مانند اینکه رسیدگی به اتهام در صلاحیت دادگاه انقلاب و رسیدگی به اتهام دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری یک باشد که در این صورت دو کیفرخواست به صورت جداگانه خطاب به هر یک از دادگاه‌ها صادر می‌شود اما اگر اتهامات متعدد در صلاحیت ذاتی دادگاه واحد باشد مانند اینکه سه اتهام در صلاحیت دادگاه کیفری یک باشد فقط یک کیفرخواست صادر می‌شود.

نکته ۲- شبیه همین حکم در ماده ۲۱۸ در مورد صدور قرار تأمین کیفری نیز پیش‌بینی شده است و در مورد قرار تأمین کیفری نیز اگر اتهامات متعدد در صلاحیت ذاتی یک دادگاه باشد فقط یک قرار تأمین اخذ می‌شود ولی اگر در صلاحیت ذاتی چند دادگاه باشد چند قرار تأمین صادر می‌شود.